

معرفی مجموعه شعر طنز «تشویق اذهان عمومی» از رضا رفیع، نشر مروارید/۱۴۰۱

حقد و حسد و کدورت و کین ممنوع!

شرکت سهامی طنزآوران ایران زمین، این هفته با انتشار دو کتاب از انتشارات وزین «مروارید» که دیروقتی است دارد یواش یواش، ناشر تخصصی طنز فارسی می‌شود، رونق تازه‌ای به خود گرفت.

به گزارش خبر، اکبر اکسیر در یادداشت ارسالی با موضوع "حقد و حسد و کدورت و کین ممنوع!" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛ شرکت سهامی طنزآوران ایران زمین، این هفته با انتشار دو کتاب از انتشارات وزین «مروارید» که دیروقتی است دارد یواش یواش، ناشر تخصصی طنز فارسی می‌شود، رونق تازه‌ای به خود گرفت.

زحمت هر دو کتاب را سرکار خانم ایلی و تینا حسامی برعهده داشتند که از بابت سلیقه و دقت نظر فوق‌العاده‌شان جای سپاس دارند. اولی از استاد رضا رفیع با نام «تشویق اذهان عمومی» است و دومی نیز از اکبر اکسیر با نام «جوجه کلاغ‌ها، سیاه به دنیا نمی‌آیند، بعداً سیاه می‌شوند!» اینجا فعلاً کتاب اول را معرفی می‌کنم تا طبق نظریه معروف ترک‌زبان‌ها عمل کرده باشم که فرمودند: «آل، آلی یویار - آل ده قایی‌دیپ اوزی یویار». عجله نکنید؛ زیرنویس دارد!

ترجمه‌اش همان نان قرض دادن است یا از هر دست بدهی، از همان دست می‌گیری!... و ترجمه صمیمانه لری اش هم اینکه: دست، دست را می‌شوید، دست هم برمی‌گردد صورت را می‌شوید!

خلاصه این که استاد رضا رفیع، حق بزرگی به گردن طنز ژورنالیستی ایران دارد. از سردبیری هفته‌نامه گل‌آقا و دنیای طنز گرفته تا این سال‌ها که چندین ستون و دفتر و دستک در نشریات مختلف و صدا و سیما داشته؛ همچون برنامه پر مخاطب قندپهلو و نیز شکرخند و قندستان و... در فرهنگسراها که خلاصه محبوبیت فراوانی کسب نموده است. از سوی دیگر، ایشان با انتشار بدون وقفه و پانزده ساله ضمیمه «ادب و هنر» روزنامه اطلاعات هم سهم بسزایی در پرداختن به شعر و داستان و طنز و موسیقی ایران زمین دارد.

بگذریم. به هر حال جدیدترین اثر ایشان، «تشویق اذهان عمومی» در برابر تشویش اذهان عمومی است که در بالا عرض کردیم. این کتاب، مجموعه‌ای است از شعرهای طنز و - به گفته خودش - تحفه نطنز عالی جناب رضا رفیع که طبق معمول حلاوت دیگری دارد. روی جلد این مجموعه نیز کار داستان استاد احمد عربانی، کاریکاتوریست زبردست و پیشکشوت ایران است که داخل طرح، تصویری هم از کتاب قبلی آقای رفیع با نام «عشق با سس اضافه» را در دست دارد.

در این کارتون و کاریکاتور، طنزپرداز ما با یک دست مشغول دفع موش‌دوانی دیگران است که چهره‌شان مشخص نیست، و با دست دیگرش سرگرم ترسیم طرح لبخند بر لبان کارمندان اخمو و عصبی دولت می‌باشد.

استاد عربانی با سیاه چرده کشیدن صورت آقارضای ما، گویا به طور ضمنی خواسته بگوید که: من شرمنده مردم شریف ایران هستم و برای بیان درد مردم تلاش می‌کنم تا روسیاه نباشم!

البته تا به حال چندین مجموعه از طنزهای ژورنالیستی استاد رفیع، به نظم و نثر، چاپ و منتشر شده که هر یک گوشه‌هایی از تیزی‌های شیرین‌کاری‌های این شهر آشوب را نشان می‌دهد. اما آنچه که در محافل و مجالس برای استاد رضا رفیع امتیاز کسب نموده است، بداهه‌گویی‌ها و حاضر جوابی‌های اوست که در آن واحد صادر می‌شود و خنده از لب‌ها می‌ریزد.

باید اذعان داشت که طنز و فکاهه‌های آقارضای رفیع، از قداست خاصی برخوردار است. او به هر وسیله‌ای برای خنداندن خلق متوسل نمی‌شود. به پاک‌ی قلم عقیده دارد و این چنین است که نثر و شعر و برنامه‌های تلویزیونی او با رعایت تمام خط قرمزها، موفق و کامران بوده و دیده شده. در پایان، موفقیت این خنده‌ساز طنزپرداز را با آوردن شعری از این مجموعه شاد آروزمندم. غزلی با ردیف ممنوع!

در حاشیه عبور ماشین ممنوع

حق و حسد و کدورت و کین ممنوع

ممنوع زیاد هست، اما ذکرش

جز یک دو تا سه به گلچین ممنوع

هر جاکه سیاستش نه شرقی - غربی است

نزدیک‌شدن به بوش و پوتین ممنوع

وقتی که مریض رفتنی شد، غیر از

آوردن مرده‌شو به بالین ممنوع

چون موجب مفسده‌ست اشعار لطیف

توصیف دقیق ساق سیمین ممنوع

وقتی که محرک است برخی حرکات

هر حرکت موزون، مثلاً این... ممنوع!

هر حرکت موزون همراه با قر کمر خشکیده!